



تحلیلی بر اسلامی کردن دانشگاهها

پیام نوروزی حضرت امام (ره) در نوروز سال ۵۹ با رقه‌ای فروزان بر جامعه انقلابی و اسلامی ایران بود. این پیام به ویژه بر فرهنگ جامعه و ضرورت انجام تحول اساسی در دانشگاهها تاکید داشت.

بیانات مهم مقام معظم رهبری در ۷۵/۲/۲۹ پیرامون «اسلامی کردن دانشگاهها» تأکیدی واضح بر این نکته بود که گرچه حرکت «انقلاب فرهنگی» دستاوردهای مثبت و مهمی داشته است، اما هنوز تا رسیدن به «دانشگاه اسلامی» فاصله بسیار وجود دارد. همچنین معظم‌له در این بیانات با اشاره به برخی رویکردهای قهقرایی و بعضاً سخت‌شدن عرصه اندیشه و عمل دینی بر دانشجویان و دانشگاهیان متدین و دلسوز، بر این مطلب صحنه گذاشتند که اگر زحمات گذشته پاسداری نشود و با درایت، دقت و قوت در مسیر تحول فرهنگی و علمی به سوی «دانشگاه اسلامی» گام زده نشود، آینده جامعه اسلامی با مخاطرات جدی روبرو خواهد شد.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در این فضای تبلیغاتی، ترجیح داد که کمتر به گفتار پردازد و مجدانه راههایی بنیادین را جستجو نماید. در این راستا گروه «پژوهش درباره دانشگاه اسلامی» در معاونت پژوهشی نهاد تشکیل شد و به مطالعه در ابعاد وسیع این موضوع پرداخت.

آنچه در پیش رو دارید، معرفی خلاصه اولین مجلد از پژوهش‌های انجام شده است. این گروه از طرحها و انتقادات و راهنماییهای دانشگاهیان عزیز، استقبال می‌کند.

گروه مطالعاتی معاونت پژوهشی نهاد

مقدمه

کتاب حاضر به منظور تبیین سخنان مقام معظم رهبری در مورد اسلامی کردن دانشگاهها و ارائه راهکار مناسبی در این مورد، تدوین شده است. برای نگارش این نوشته، کتاب، سخنرانی، مقاله و مصاحبه‌های بسیاری مطالعه گردید. اگر چه محدودیت حجم این نوشته امکان نقل و نقد همه مطالب مندرج در آنها را نمی‌داد، اما در نگارش مطالب تحلیلیها و ذکر موانع اسلامی کردن دانشگاهها و ارائه راهکار و پیشنهادات، دیدگاهها و اظهار نظرات متعدد و مختلف مورد توجه قرار گرفته و این نوشته با لحاظ کردن مجموع آن مطالب، بدین صورت نگاشته شده است.

فصل اول: سیر تحول انقلاب فرهنگی از آغاز تا سخنان

اخیر مقام معظم رهبری

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) با شعارهایی چون «نه شرقی، نه غربی» و «استقلال، آزادی»، به استقرار نظام «جمهوری اسلامی» انجامید. این نظام که در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، با نظام حاکم بر عرصه بین‌المللی، تعارض عمیق و ذاتی داشت، طبیعی بود که رهبری آن در صدد بازسازی کشور بر مبنای آرمانهای انقلاب برآید. دانشگاه به عنوان یکی از مهمترین بخشهای عرصه فرهنگ کشور، می‌بایست پذیرای شرایط جدید کشور پس از پیروزی انقلاب می‌شد.

در چنین فضایی، حضرت امام (ره) ضرورت اصلاح و تجدید سازمان دانشگاهها را مورد عنایت قرار داده و در پیام نوروز سال ۱۳۵۹ خود فرمودند: «باید انقلابی اساسی در تمامی دانشگاههای سراسر ایران به وجود آید، تا استادانی که در ارتباط با شرق و غرب هستند، تسویه گردند و دانشگاه محیط سالمی برای تدریس علوم عالی اسلامی گردد.»^۱

این پیام منجر به تعطیلی دانشگاهها گردیده، و به «انقلاب فرهنگی» موسوم گشت و حضرت امام (ره) در مورخه ۱۳۵۹/۳/۲۳، با صدور حکمی به نام چند تن از صاحب نظران فرهنگی، «ستاد انقلاب فرهنگی» را تشکیل داده و آن را مأمور اسلامی کردن دانشگاهها نمودند.

سرانجام از اواسط سال ۱۳۶۱ به تدریج دانشگاهها بازگشایی شد. در سال ۱۳۶۳، علیرغم بحران جنگی تحمیلی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حتی المقدور مسئله دانشگاهها و انقلاب فرهنگی را از نظر به دور نداشته و برای تفویض اعتبار و اختیار مناسب و تصمیم گیرندگان این امر، در مورخه ۱۳۶۳/۹/۱۹، فرمان تشکیل «شورای عالی انقلاب فرهنگی» را صادر فرمودند.

پس از پایان جنگ تحمیلی و شروع مجدد دوران سازندگی، رهبر معظم انقلاب در مورخه ۱۳۷۴/۴/۲۷ در ملاقاتی که وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی با معظم له داشتند، ایشان را موظف به اسلامی کردن دانشگاهها فرمودند. متعاقب آن، ستاد اسلامی کردن دانشگاهها در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل گردید و پس از جلسات متعدد، وظایف ستاد در ده حوزه تفکیک و برای هر حوزه یک کمیته تخصصی تشکیل گردید که عناوین آنها به شرح زیر می باشد:

- ۱- کمیته تألیف و ترجمه کتب علوم انسانی
- ۲- کمیته بررسی کتب موجود علوم انسانی
- ۳- کمیته شناسایی و تقویت نیروهای مؤثر و متدین
- ۴- کمیته ارائه دروس و سمینارهای خاص برای هیأت علمی در دانشگاهها
- ۵- کمیته ارائه دروس مناسب در دانشگاهها
- ۶- کمیته برگزاری سخنرانی‌ها یا سمینارهای مناسب در دانشگاهها
- ۷- کمیته مطالعات غرب شناسی
- ۸- کمیته بهسازی فضای فیزیکی و جو فرهنگی در دانشگاهها
- ۹- کمیته ارائه دروس آزاد برای جوانان
- ۱۰- کمیته ارتباط با حوزه

در مورخه ۱۳۷۵/۲/۲۹ که وزیر فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاهها با مقام معظم رهبری دیدار داشتند، معظم له ضمن بیان رهنمودهای مهم و روشنگری در مورد اسلامی کردن دانشگاهها، لازم دانستند که افکار عمومی نیز در جریان امر قرار گیرند.

بدینگونه مسئله اسلامی کردن دانشگاهها که از لوازم ذاتی انقلاب اسلامی بوده و در بیانات و فرمایشان امام راحل متجلی گشته و از سال ۱۳۵۹ آغاز شده بود، پس از طی دوران جنگ، مجدداً در دوران سازندگی، در دستور کار مسئولین فرهنگی کشور، دفاتر نهاد نمایندگی در دانشگاهها و وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفت و موجب اظهار نظرات متعددی از سوی افراد مختلف گردید.

فصل دوم: دیدگاهها

در واکنش به طرح دوباره اسلامی کردن دانشگاهها، دیدگاههای متعددی ابراز گردید که در یک تقسیم بندی کلی می توان آنها را به دو گروه «موافقین» و «مخالفین» تقسیم نمود. که اجمالاً به آنها پرداخته می شود:

الف: دیدگاههای موافق و نقد کلی آنها

مجموعه دیدگاههایی که به عنوان موافق اسلامی کردن دانشگاهها و در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری ابراز گردید، متعدد و گسترده اند. پرداختن به جزئیات آنها و تحلیل و تبیین نکات مطرح شده در آن دیدگاهها اگر چه مفید و ضروری است، اما از حوصله این نوشته خارج است و در اولویت اول قرار ندارد. بدین سبب آنها را در سه محور کلی خلاصه می کنیم:

دیدگاههای موافق را در سه محور کلی میتوان خلاصه نمود:

- ۱- نقد اقدامات انجام شده از آغاز انقلاب فرهنگی تاکنون
- ۲- ارائه تعریف در مورد «اسلامی کردن دانشگاهها» و مفهوم دانشگاه اسلامی ۳- ذکر موانع اسلامی کردن دانشگاهها و ارائه راه حل های کاربردی.

در هر سه محور فوق الذکر، بر پنج عامل مدیریت، استاد، دانشجو، متون درسی و سیستم آموزشی تأکید می شود. اما نکته قابل تأمل در اینجا این است که شخصیت های اظهار نظر کننده به تناسب جایگاه سیاسی و اجتماعی خویش، ضمن ذکر عوامل فوق، بر یک یا دو تایی آنها تأکید می ورزند و اصلاح و سامان بخشی به آنها را علاج نابسامانی دانشگاهها و رسیدن به وضع مطلوب می دانند. طبیعی است که فرایند انقلاب فرهنگی از آغاز تاکنون

به دلایل گوناگون متحمل قصورهایی شده باشد و نقد آن قطعاً به عنوان یک تجربه، برای اسلامی کردن دانشگاهها امری ضروری و مفید است.

تأکید بر یک یا دو عامل خاص از سوی اشخاص مختلف، آنهم با توجه به موقعیت سیاسی و حرفه‌ای‌شان، حکایت از آن دارد که اولاً هنوز اولویت‌بندی لازم در مورد پنج عامل مذکور، در میان صاحب‌نظران صورت نگرفته و این خود می‌تواند در تحلیل رفتن انرژیها و امکانات و بنابراین در کند کردن روند اسلامی کردن دانشگاهها مؤثر واقع شود. ثانیاً و مهمتر از آن، بزرگترین قربانی عدم اولویت‌بندی و وفاق آراء و تأکید بر عوامل خاص از سوی دستگاههای متعدد، رهنمودهای مقام معظم رهبری در مورد اسلامی کردن دانشگاهها خواهد بود.

برخی از صاحب‌نظران بر رعایت ظواهر و شعائر در رفتار فردی و جمعی دانشگاهیان تأکید داشتند و از بیانات آنها اینگونه استفاده می‌شود که منظور از فضای دانشگاه، فضای ظاهری محیط دانشگاه و وضع ظاهر و پوشاک دانشگاهیان و نوع روابط ذکور و اناث می‌باشد. این امور اگر چه از اهمیت خاصی برخوردارند و در ضرورت رعایت آنها هیچگونه تردیدی وجود ندارد، اما تأکید و اصرار بر آنها همراه بارها کردن جنبه‌های مهم و اصلی، موجب این توهم می‌شود که اسلامی کردن دانشگاهها در همین امور "صوری" و سطحی خلاصه می‌شود و نتیجه‌ای جز در تنگنا قرار دادن دانشگاهیان و بعضاً تصفیه حساب گروهی ندارد. طبیعی است که این امر موجب می‌شود تا دانشگاهیانی که مسلمان و متدینند و اساساً سرمایه‌ اسلام و کشور اسلامی محسوب می‌شوند و باید سربازان جبهه اسلامی کردن دانشگاهها و مجریان آن باشند، عملاً تحت تأثیر القائات مذکور قرار گیرند.

این سخن مقام معظم رهبری که فرمودند: «برادران عزیز، دانشگاه اسلامی نیست، باید اسلامی بشود»،^۲ موجب شد تا صاحب‌نظران پیرو ولایت فقیه و موافق اسلامی کردن دانشگاهها، برداشتهای متفاوتی از آن بنمایند. برخی از صاحب‌نظران (عمدتاً مسئولین اجرایی)، دانشگاهها را اسلامی دانسته و به بخش دیگری از سخنان معظم‌له استناد کنند که فرمودند: «حقاً و انصافاً دانشگاهها ما نسبت به اوایل انقلاب رشد زیادی کرده است. من این را با همه وجود معتقدم. نه فقط از لحاظ علمی، بلکه حتی از لحاظ روشن‌بینی دینی و عمق ایمان مذهبی هم پیشرفته است. از این جهت دچار مشکل نیستیم. لیکن آنچه باید بشود، نشده

است. یعنی هنوز دانشگاه، اسلامی نشده است»،^۳ از این رو آنها در پی "اسلامی‌تر" کردن دانشگاهها هستند. متقابلاً از بیانات برخی دیگر از صاحب‌نظران چنین استنباط می‌شود که دانشگاهها اصولاً اسلامی نیستند و باید "اسلامی" بشوند.

باید توجه داشت که انقلاب فرهنگی یک فرآیندی است که همچنان باید سیر تکاملی خود را بپیماید. و به تعبیر مقام معظم رهبری: «ما اگر امروز احساس می‌کنیم که دانشگاهها در آن جهت مورد نظر، پیشرفت محسوس و متوقع را نکرده‌اند، باید بدانیم در کاری که انجام گرفته، اختلالاتی بوده، نه اینکه نیت این کار نبوده است». ^۴ بنابراین نقد روند انقلاب فرهنگی باید در جهت کسب تجربه و استفاده از علل پیروزیها و ناکامیها آن به منظور تحقق اسلامی کردن دانشگاهها باشد، و نه اینکه ناخواسته موجب زیر سؤال بردن اصل انقلاب فرهنگی بشود.

البته از اظهار نظر مخالفین، هراس و بیمی نیست، ولی ممکن است از یک سو، روند گذشته انقلاب فرهنگی به وسیله موافقین، به طور بی‌غرضانه اما ناخواسته کاملاً زیر سؤال رفته و کارهای انجام شده ناچیز شمرده شده و عدم موفقیتها به درستی و معقولانه تبیین نشوند، و از سوی دیگر طلیعه اسلامی کردن دانشگاهها با مسائلی همچون "کمیته انضباطی" و "گروههای آمر به معروف و ناهی از منکر" که معمولاً تداعی توجه صرف به ظواهر را می‌نماید، همراه گردد. در این صورت، جوانب جدی مسئله کم‌رنگ گردیده و مسائل اصلی و عمده‌ای که باید در دستور برنامه‌ریزان آموزش عالی قرار گیرد، بدست فراموشی سپرده خواهد شد. با توجه به اینکه دیدگاههای موافق با اتکاء به شمار وسیعی از متفکران و اساتید دانشگاهی بر سه محور زیر اتفاق نظر دارند: ۱- ضرورت انقلاب فرهنگی و جدی گرفتن ادامه آن در قالب حرکت اسلامی کردن دانشگاهها، ۲- ارج نهادن و پاسداری از رشد و تکاملی که در پرتو حرکت انقلاب فرهنگی حاصل شده، ۳- لزوم نقادی ضعفها و مشکلات برای توسیم و تنظیم برنامه‌های آینده، لازم است در این حرکت جدید، تقارب فکری صاحب نظران موافق مجدانه حفظ شود.

ب: دیدگاههای مخالف

موضوع اسلامی کردن دانشگاهها همچنین با واکنش اشخاصی روبرو شد که با حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی مخالفند. مهم‌ترین محورهایی که مورد توجه این افراد می‌باشد به طور اجمال عبارتند از:

۱- متهم ساختن دست اندرکاران انقلاب فرهنگی به

قشری‌گری و فرصت طلبی

۲- مهم ساختن دست اندرکاران انقلاب فرهنگی به

انحصارطلبی و گروه‌گرایی

۳- زیانبار دانستن انقلاب فرهنگی

علاوه بر اتهامات مذکور، مخالفان، اسلامی کردن دانشگاه‌ها را صرفاً حرکتی برای "بی‌رقیب‌تر شدن حاکمیت"، "ارضای حس فرمالیسم و ظاهرپسندی قشریون مذهبی" و "ارضای احساس قدیمی برخی روحانیون و تحقیر دانشگاهها و کادرهای علمی جدید" تلقی می‌نماید.

آنان همچنین اصل انقلاب فرهنگی را زیر سؤال برده و آن را زیانبار می‌دانند.

نهایتاً این افراد پیشنهاد می‌کنند که انقلاب فرهنگی و مسئله اسلامی کردن دانشگاهها را در قالب "تحلیل هزینه - فایده" باید ارزیابی نمود تا میزان هزینه آن با میزان فایده‌اش سنجیده شود و مفید یا مضر بودن آن معلوم گردد.

ج: نقد و تحلیل دیدگاههای مخالف

نقد و تحلیل جامع دیدگاه مخالفین اسلامی کردن دانشگاهها خارج از هدف و حوصله این نوشتار است.

این گزیده به خوبی روشن می‌کند که آنان چگونه سعی می‌کنند و به دانشگاهیان القاء کنند که مظلوم واقع شده و مورد تحقیر قرار می‌گیرند و بدین گونه رابطه کلیسا و مراکز علمی در اروپا را تداعی نموده و دانشگاهیان را نه تنها از اسلامی کردن دانشگاهها بلکه از مجموعه حاکمیت نظام رویگردان کنند.

در مورد مهم کردن دست اندرکاران انقلاب فرهنگی به قشری‌گری و توجه صرف به امور صوری، باید گفت که رسالت دین، ساختن محتوی بر مبنای توحید و سامان بخشیدن به شکل و صورت، بر پایه و در جهت چنان محتوایی است. مسلمان شیعه‌ای که آبشخور افکارش از رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) سرچشمه می‌گیرد، شکل را به عنوان نمادی از محتوی تلقی می‌کند و تلاشش بر این است که میان ظاهر و باطن و شکل و محتوی هماهنگی و همسویی ایجاد نماید. بنابراین توجه صرف به صورت بدون محتوی در دستور کار یک مسلمان راستین قرار نمی‌گیرد. اما صرف‌نظر از موارد مذکور باید دید که چرا این همه به ظواهر و شعائر هجوم شده و مورد تحقیر قرار می‌گیرند؟ باید پرسید که در طول دو سده تاریخ معاصر ایران حمله به شعائر و ظواهر مذهبی از سوی چه کسانی و با چه هدفی مطرح شده و چه دردی از این مردم و کشور را درمان نمود؟

آیا از نظر جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی، نقش تقیّد به شعائر و ظواهر دینی در سالم سازی اجتماعی و تأثیر تربیتی آن قابل انکار است؟ آیا در دیدگاه قرآن، پیامبر (ص) و ائمه اطهار، شعائر و ظواهر دینی هم همین گونه تحقیر و تقبیح می‌شد؟ به هر حال باید پرسید که مستند دینی حمله به شعائر چیست؟ اصولاً افرادی که خود را مسلمان می‌دانند نباید به خاطر جلب مشتری سیاسی و عقب‌نماندن از کاروان غرب زدگان و خود روشنفکر پنداری، سخنانی را اظهار نمایند که نه تنها از ارائه برهان دینی در تأیید آن عاجز باشند بلکه موجب تحقیر و تخریب عقاید نسل جوان مسلمان گردند. البته درست آن است که یک مسلمان، ریاکاران را تقبیح کند و نه تقیّد به شعائر و مناسک را.

در مورد مهم ساختن دست اندرکاران انقلاب فرهنگی به انحصارطلبی، نیز به اجمال باید گفت که تحولات عظیمی همچون انقلابهای اجتماعی، راههای صعب‌العبوری هستند که پیمایندۀ آن باید دارای مجموعه صبر و درک و حوصله و تعهد و جامع‌نگری و موقع‌شناسی و... باشد. اگر کسانی ناتوان از پیمودن چنین راه دشواری باشند و قادر به همگامی با روند کلی تحولات نباشند، به مصداق لتبلیّن بلبه از گردونه حوادث خارج شده و به کناری خواهند رفت. اینگونه افراد ناگزیرند که دیگران را انحصار طلب بدانند. اما صرف‌نظر از غرولند و گلایه آنان تحولات اجتماعی بر اساس قانونمندیهای خاص خود به حرکت وقفه‌ناپذیر خویش ادامه می‌دهد و تاریخ در مورد بازماندگان از کاروان انقلاب قضاوت خواهد کرد.

سومین محوری که این دیدگاه به منظور ناامید ساختن دانشگاهیان و جلوگیری از مشارکت آنان در هر حرکت اصلاحی جدید مورد توجه قرار داده است، ارائه سیمای زیانباری از انقلاب فرهنگی است. البته از واماندگان از کاروان تحولات اجتماعی و کسانی که در عرصه مملکتداری و مشکلات آن حضور ندارند، بیان حرفهای انتزاعی و اظهارات فاقد پشتوانه عملی و علمی بعید نیست. آن چهارچوب فکری که این افراد را از درک دقیق تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ملزومات منطقی و عملی آن ناتوان ساخت، آنان را از درک درست انقلاب فرهنگی نیز محروم ساخته است.

اینان اسلامی کردن دانشگاهها را بازگشت به پله اول و افزودن چند عکس و افزودن چند سانتی متر بر محاسن می‌دانند و نیز، به دلیل فقدان درک درست از رابطه علم و

دین، دچار ابهام می‌شوند که اصولاً دانشگاه برای تدریس و تحصیل علوم خاصی است و وقت و امکاناتی برای پرداختن به امور دینی و فکری باقی نمی‌ماند.

انقلاب فرهنگی، دانشگاهها را به سوی بنیان نهادن بنایی مستقل و درون جوش، سوق داد. بدون شک، رشد علمی و فرهنگی کشور همراه با گسترش مجلات و کتب علمی و پیدایش کتابخانه‌ها و موسسات پژوهش متعدد، مرهون حرکت انقلاب فرهنگی است. به علاوه، حضور پردامنه تفکر اسلامی در محافل علمی جهان و برآمدن نسل متفکران جوان حوزوی و دانشگاهی که در جهت احیاء تمدن اسلامی گام برمی‌دارند، همگی از ثمرات این حرکت است. در شرایط امروز جامعه اسلامی ما، آثار فراوان انقلاب فرهنگی در تصحیح و رشد دانشگاههای کشور آن قدر محسوس است که ترسیم چهره‌ای مخدوش از آن امکان‌پذیر نیست. نکته مهم این است که با همه این گام‌های برداشته شده، هنوز تا رسیدن به دانشگاههایی کاملاً مستقل و کار آمد و بهره‌مند از مبانی اسلامی فاصله وجود دارد.

فصل سوم: تبیین و تحلیل سخنان مقام معظم رهبری

چرا مقام معظم رهبری ضرورت اسلامی کردن دانشگاهها را مطرح نمود؟

ملت مسلمان ایران با سابقه تاریخی تمدن کهن و فرهنگ غنی اسلامی، پس از جنگهای ایران و روس در عصر فتحعلی شاه قاجار، به ناگهان خود را در معرض تهاجم تکنولوژی و تمدن غربی مشاهده کرد که هویت تاریخی - ملی و مذهبی او را مورد تهدید قرار می‌داد. در برابر این تهاجم، برخی به ستایش و مدح مهاجم برخاسته و تقلید تمام عیار از آن را ترویج می‌کردند. برخی دیگر از آنجا که آمادگی دفاع از هویت ملی مذهبی خود را نداشته‌اند، به نفی مهاجم پرداخته و حداقل تسلیم آن نشدند. در این میان برخی دیگر از قبیل سید جمال‌الدین اسدآبادی پرچم احیاء هویت خویش را برافراشته و دعوت به احیاء مبانی فرهنگی و نقد مهاجم می‌نمودند. می‌توان گفت که تمام تاریخ دو سده اخیر کشور و مهمترین تحولات سیاسی - اجتماعی آن متأثر از کشمکش و منازعه میان این سه رویکرد به تمدن مهاجم غرب می‌باشد. به جرأت باید گفت که آگاهی یا عدم آگاهی از این تحولات و مبانی فکری - فرهنگی آنها، در درک مسائل امروز کشور و جهت‌گیری نسبت به آنها تأثیر تام خواهد داشت. در همین راستاست که مقام معظم رهبری

می‌فرمایند: «من نمی‌دانم آیا جوانهای نسل انقلاب تاریخچه ۱۵۰ - ۲۰۰ سال اخیر را درست خوانده‌اند یا نه؟ و همه دغدغه من این است که جوان انقلابی امروز نداند که ما بعد از پشت سر گذاشتن چه دورانی امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. ملت ایران باید تاریخچه این ۱۵۰ - ۲۰۰ سال اخیر یعنی از اواسط دوران قاجار و جنگهای ایران روس به بعد را بخوانند و ببینند چه حوادثی در این کشور روی داده است».^۵

با پیروزی انقلاب اسلامی، ثمره بیش از ۱۴۰۰ سال مبارزات تشیع و قریب به ۲۰۰ سال ملت مسلمان شیعه ایران در قالب استقرار جمهوری ایران تحقق یافت. عمده‌ترین هدف نظام اسلامی، زدودن آثار شرک و طاغوت از جامعه و ساختن جامعه‌ای براساس موازین الهی اسلام قرار گرفت. از این رو، نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک بدیل برای نظام کنونی حاکم بر جهان مطرح گردید و برای جهان نو و بشریت معاصر پیام تازه‌ای به ارمغان آورد و تسلیم شرایط موجود و نظام جهانی حاکم کنونی نگردید. بنابراین رویارویی نظام جمهوری اسلامی با نظام حاکم بر جهان کنونی اجتناب‌ناپذیر شد. از آنجا که مواجهه نظامی برای سرکوبی دیگر مقدور نیست، در دهه اخیر، مبارزه به عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی کشانده شده است. مبارزه فرهنگی، هم به دلیل برتری رتبی فرهنگ بر سیاست و اقتصاد، و هم به دلیل نامحسوس بودن و غیر ملموس بودن و هم به دلیل تأثیر پایدارتر آن، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است.

در این مبارزه فرهنگی، دانشگاهها یعنی مهمترین عرصه فرهنگی وسیع و فعال کشور، از جایگاه ویژه و اصلی‌ای برخوردارند و به همین سبب مقام معظم رهبری بدانها عنایت دارند. حضرت امام (ره) نیز در عنایتی ویژه به دانشگاهها، دانشگاه را در رأس امور دانسته و آنرا «مبدأ همه تحولات»^۶ معرفی می‌نمایند. از دیدگاه آن حکیم راحل، «مقدرات این مملکت در دست این دانشگاههاست»^۷ و «از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود».^۸ بنابراین «دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح شود آن کشور اصلاح می‌شود».^۹ و «اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است».^{۱۰} حضرت امام (ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خود هشدار می‌دهند که: «باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است».^{۱۱} و بنابراین هم اکنون هم «از

توطئه‌های بزرگ ... به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت، خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنهاست».^{۱۲} با توجه به نقش دانشگاه در اداره کشور است که آن عارف راحل به دانشگاهیان توصیه و تأکید داشتند که دانشگاه باید «رو به خدا»، «رو به معنویت»، «مستقل» و «انسان‌ساز» باشد.

مقام معظم رهبری فلسفه وجودی تأسیس دانشگاه در کشورهایی مثل کشور ایران را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «هدف اول در تأسیس دانشگاهها، با سواد کردن جوانها نبود. بلکه ساختن و پرداختن جوانها به شکلی بود که به دستگاه در جهت پیوستن هر چه سریعتر به قطبهای استعمار و استکبار جهانی یعنی در جهت نوکری کمک کند».^{۱۳} با توجه به ظلم ستیزی که در ذات باورها و اعتقادات دینی اسلامی نهفته است، بنابراین در کشور ما «بنای دانشگاهها را از اول بر پایه بی‌اعتقادی گذاشتند».^{۱۴} از این رو پرواضح است که تأسیس دانشگاه به سبک غرب در یک کشور جهان سومی وابسته، رسالت خاصی در پرورش نیروهای انسانی مورد نظر ایفا می‌کند. و طبیعی است که چنین دانشگاهی نه تنها نمی‌تواند برای کشور استقلال طلب و به معارضة با سیستم حاکم جهانی برخاسته، مفید و مؤثر واقع شود بلکه به عنوان یک عامل بازدارنده و مضر ایفای نقش می‌کند. برای جامعه اسلامی‌ای که به منظور احیاء دین و استقلال، دست به انقلاب زده و رژیم وابسته آن را سرنگون کرده است، نهادهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که متناسب با شرایط وابستگی کشور و بمنظور تحکیم و بقای وابستگی آن تأسیس شده بودند، در شرایط استقلال طلبی و توسعه مستقل، کار آیی خود را از دست میدهند و باید متناسب با شرایط نوین کشور و آرمانهای اسلامی، بازسازی سازماندهی شوند.

فصل چهارم: دانشگاه مطلوب و

رسالت آن از دیدگاه مقام معظم رهبری

دانشگاه را در مجموع می‌توان ترکیبی متشکل از شش عنصر دانست. آن شش عنصر عبارتند از:

۱- سیستم آموزشی

۲- محتوای آموزشی

۳- مدیریت

۴- اساتید

۵- دانشجویان

۶- فضای دانشگاه

اکنون باید دید که عناصر مذکور در اندیشه و بیان مقام

معظم رهبری چه جایگاهی داشته و چه انتظاری از آن دارد؟ روشن است که نیازهای کشور و اسلام و انقلاب، تعیین کننده هدف هر نهاد مملکتی از جمله دانشگاه می‌باشند. از این رو اصولاً دانشگاه هنگامی مطلوب واقع می‌شود که در راستای نیازهای کشور و انقلاب قرار بگیرد.

از نظر رهبر انقلاب: «خصوصیت نظام جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان سازی اش باید صحیح حرکت بکند و انسانی مناسب با هدفهای این نظام بسازد».^{۱۵} اکنون باید دید که عناصر شش گانه مذکور، هر کدام در جهت تحقق این هدف کلی، چه نقشی ایفا می‌کند.

۱- سیستم آموزشی: درباره سیستم آموزشی و

تعریف آن و اینکه چه نقشی در تحقق هدف‌نهایی دانشگاه دارد کمتر سخن به میان آمده است. سیستم آموزشی هم همانند بسیاری از ابزارهای دیگر، ماهیت ابزاری دارد و اینکه آیا سیستم آموزشی موجود، تا چه اندازه در ساختن انسانهای متناسب با اهداف نظام کارآیی دارد، و انقلابی یا غیر انقلابی بودن و اسلامی یا غیر اسلامی بودن آن، بستگی به محصول و بازدهی آن دارد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، سیستم در پرورش انسانهای مناسب برای نظام و کشور، نقش اساسی دارد. معظم له می‌فرماید: «البته آنچه مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش باید صد در صد اسلامی باشد... مادامی که دانشگاه پرورشگاه متخصصین مسلمان و متعهد نباشد مطلوب انقلاب نخواهد بود. و این ممکن نیست مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاهها اسلامی باشد».^{۱۶}

۲- محتوای آموزشی: محتوای آموزشی عبارت از

کلیه مطالبی است که به عنوان علم به دانشجو آموخته می‌شود. روشن است که در یک نظام اسلامی و انقلابی، محتوای آموزشی باید در جهت ساختن نیروهای کارآمد برای کشور اسلامی تدوین و تنظیم شود.

معظم له می‌فرماید: «نتیجه قهری سیر در مسیر انقلاب همین است، ما باید با دور شدن از مبداء انقلاب به اهداف انقلاب نزدیکتر بشویم، چون با هدایت انقلاب و با حرکت انقلاب داریم حرکت می‌کنیم، و قاعدتاً باید به اهداف انقلاب روزبه روز نزدیک‌تر بشویم. این باید در دانشگاهها و در کتابهای دانشگاهی و در اساتید، در فضای دانشگاه نشانه خودش را نشان بدهد».^{۱۷} و در بخش دیگری از سخنان خود می‌فرماید: «مسائل علوم انسانی غیر از مسائل سایر دانشهاست ... اینها چیزهایی است که در صورت آمیختگی

با دین، یا عدم آمیختگی با آن نتایج دوگانه‌ای خواهد داشت ... باید تلاش کرد برای این که علوم انسانی را بر پایه‌های اسلامی، بادید اسلامی و با تفکر مبتنی بر جهان بینی اسلامی تدوین کنیم. اگر پولی لازم دارد، صرف بشود. اگر تربیت افراد لازم است، این کار را انجام بدهیم»^{۱۸}

۳- مدیریت: مهمترین وظیفه یک مدیر در سیستم تحت مدیریت خود، برنامه‌ریزی اصولی و صحیح بمنظور کار آمد نمودن آن سیستم می‌باشد.

در همین رابطه مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«بایستی ریاست دانشگاهها ریاست علمی باشد... اما علم باید با عمل و با اعتقاد توأم باشد. یعنی آن طور نباشد که یک آدم بی‌اعتقادی که می‌خواهد سر به تن این نظام نباشد و اصلاً اعتقادی به اسلام ندارد یا مسخره می‌کند، یا افراد حزب الهی را مسخره می‌کند، یا دانشجوی مؤمن را به استهزا می‌گیرد این باید در رأس کارها باشد»^{۱۹} «پس در مراکز حساس و سربندهای اداره امور دانشگاهی چه اداره به معنای رسمی و چه اداره امور فکری و تدریس و مانند آنها کسانی که مسئول می‌شوند و کارهای مهم دست آنهاست باید از عناصر انقلابی باشند»^{۲۰}

۴- اساتید: استاد در دانشگاه، عهده‌دار تعلیم و عقیده به دانشجویان و به عبارتی تربیت آنان می‌باشد. دانشجو در محیط دانشگاه بیش از هر کس دیگری با اساتید داد و ستد فکری و عملی دارد. بنابراین، مهمترین امر در دانشگاه یعنی تربیت دانشجویان و پرورش نیروهای متخصص و متعهد برای نظام، مرهون اندیشه و علم و عمل اساتید می‌باشد. از دیدگاه مقام معظم رهبری: «در تربیت دانشجو دو عنصر اصلی مطرح است که هیچکدام نباید مورد غفلت قرار گیرد. چون اگر ما از هر کدام از این دو عنصر غافل شویم ضرر خواهیم کرد. این دو عنصر، یکی علم و تحقیق و کارآیی علمی و جوشیدن استعدادهاى علمى است، و دیگری روحیه تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو است. لذا این دو عنصر باید به صورت لاینفک با قدرت و توان کامل و با استفاده از تمام ظرفیت کشور در دانشگاهها تعقیب بشود... و در این ارتباط مسئله استاد، کتاب درسی، فضای آموزشی، آزمایشگاه، مجلات علمی و چیزهایی از اینگونه مطرح است که ما آنها را در نظر داریم»^{۲۱} از این دیدگاه، عالمی که خودش و علمش در جهت منافع ملی و نیازهای کشور و انقلاب به کار نیفتد، فاقد ارزش می‌باشد و به همین سبب خطاب به مسئولان دانشگاهها می‌فرماید: «آن کسی که با جهت‌گیری انقلابی در

وزارتخانه شما و در محیط دانشگاه شما حرکت نمی‌کند علمش هم ارزش ندارد»^{۲۲}

۵- دانشجویان: دانشجویان از نظر کمی، بزرگترین قشر دانشگاه را تشکیل می‌دهند و با توجه به هدف دانشگاه و فلسفه وجودی آن، مهمترین قشر دانشگاه می‌باشند. زیرا هدف دانشگاه تربیت علمی و عقیدتی و سیاسی دانشجویان و تبدیل آنها به نیروهای کارآمد برای اداره کشور می‌باشند. بنابراین دانشجو از اهمیت خاصی برخوردار است. رهبر معظم انقلاب، اهمیت دانشجویان را از جهات گوناگون مورد توجه قرار دادند. از دیدگاه ایشان، «دانشجو یک موجود استثنایی است، حتی طلبه جوان از این جهت با دانشجو یک تفاوتی دارد. دانشجوی جوان که در صراط علم و دانش است با محیطهای آزاد آشناست و در یک محل آن هم با کمیتی زیاد مجتمع است. این خصوصیات روی هم رفته یک ترکیب و حالت و تأثیرات خاصی را به وجود می‌آورد که باید آن را پذیرا بود»^{۲۳}

معظم له هنگامی که دانشجویان را به حضور در صحنه انقلاب دعوت می‌کنند و می‌فرمایند: «دانشجویان هرگز نباید در مسائل انقلابی احساس سردی کنند»^{۲۴} بلافاصله می‌فرمایند که «البته این امر شیوه‌هایی دارد و نمی‌توان با دستوری و حکمی این روحیه را حفظ کرد»^{۲۵}

به باور ایشان باید «دانشجویان و دانش آموزان، فریضه آموزش علم را با کسب مهارت و تجربه توأم ساخته و آن گونه که شأن آنان است به مثابه پیشاهنگ حرکت‌های انقلابی، در سمت هدفهای والای اسلام و در مقابله با توطئه‌های استکبار جهانی و مثلث آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع، مجاهدتی جانانه بکنند»^{۲۶} در همین عبارت کوتاه اما جامع، تشویق دانشجویان به کسب علم و تخصص، تقوی، انقلابی بودن و حساسیت به جهت‌گیریهای سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی نهفته است.

۶- فضای دانشگاه: مفهوم فضای دانشگاه که به اعتباری می‌توان آن را مهمترین مقوله در بحث مربوط به دانشگاهها تلقی نمود، به درستی تبیین نشده است و همین امر موجب گردید که تأکیدات مقام معظم رهبری بر مسئله فضای دانشگاهها، به طور شایسته شناخته نشود.

برای درک درست‌تر مفهوم فضای دانشگاه از دیدگاه معظم له، باید فضای دانشگاه را به دو بخش فضای عینی (ظاهری) و فضای ذهنی - فکری تقسیم نمود و با توضیح هرکدام، میزان اسلامی یا غیر اسلامی بودن آن را مشخص نموده و در نتیجه راهکار مناسب آن مورد بررسی قرار گیرد.

الف - فضای عینی: منظور از فضای عینی یا ظاهری، آن بخش از فضای دانشگاه است که با حواس ظاهری (چشم و گوش) قابل لمس باشد. بدین ترتیب اموری مانند: شکل ظاهر افراد دانشگاهی، رعایت شعائر و مناسک از قبیل نماز جماعت و برگزاری مراسم مذهبی گوناگون، قرار دادن دروس اسلامی برای همه رشته‌ها، محیط ظاهری دانشگاه و حتی سبک معماری آن را می‌توان از این مقوله شمرد.

ب - فضای ذهنی - فکری: منظور از فضای ذهنی - فکری، مجموعه روحيات، باورها، ارزشها و طرز تلقی‌هایی است که بر عملکرد و روابط ارکان پنجگانه دانشگاه (سیستم - مدیریت - محتوای آموزشی - استاد - دانشجو) و فضای ظاهری آن حاکم می‌باشند. بنابراین، این فضای ذهنی - فکری است که عملکرد سیستم آموزشی دانشگاه و محتوای آموزشی آن را شکل و جهت می‌دهد و همین فضا است که رفتار مدیران، اساتید و دانشجویان را هم با خودشان و هم با مسائل کشور، هدایت می‌کند. فضای ذهنی - فکری دانشگاه در شرایط کنونی کشور ما، معلول و مولود نگرش دانشگاهیان نسبت به چند مقوله است که در مرتبه اول آنها می‌توان "دین" و "علم" و به تبع آن، "انقلاب اسلامی"، "غرب" و "سیاست" را ذکر کرد.

به عنوان مثال اگر رویکرد دانشگاهیان به مقوله‌های مذکور بدین گونه باشد که دین را برنامه لایق و کامل زندگی و علم را ابزاری برای کشف قانونمندیهای هستی و آیات الهی، انقلاب اسلامی را محصول ۱۴۰۰ سال مبارزه خونین تشیع و راهی لاینقطع و مستمر و مداوم، غرب را جلوه استکبار و استثمار و طمع‌ورزی به دیگران و سیاست را در عرصه داخلی و بین‌المللی ابزاری برای حفاظت از دین، وطن، هویت ملی و استقلال و آزادی کشور تلقی نماید، تجسم نمائید که این دانشگاهیان در مدیریت و تدریس و تحصیل چگونه عمل خواهند کرد؟ در حفظ دین و انقلاب و کشور چه روشی در پیش می‌گیرند؟ به طبع، رفتارشان با همدیگر و با نظام چگونه خواهد شد؟ مشارکتشان در امور سیاسی چه شکلی به خود خواهد گرفت؟ و دین و ارزشهای دینی و دینداران و انقلابیون در دیدگاه آنان چه ارزش و جایگاهی خواهند یافت؟ حال اگر رویکرد دانشگاهیان به مقوله‌های فوق بدین گونه باشد که دین، امری اخلاقی و فردی (و برای برخی باطل و خرافی و ضد علم)، علم با تلقی قرن نوزدهمی غربی حلال همه مشکلات، انقلاب اسلامی تلاش ناموفق دین برای اداره زندگی، غرب الگوی علمی و موفق برای زندگی و سیاست عبارت از برنامه‌ریزی در جهت

تحقق چنین تلقیاتی از دین و علم و غرب و انقلاب باشد، تجسم نمائید که این دانشگاهیان با چنین تلقیاتی چه رفتار و عملکردی در مورد تدریس و تحصیل و مدیریت و سیاست و دین و ارزشهای دینی و دینداران و انقلابیون خواهند داشت؟

از دیدگاه مقام معظم رهبری «در کشور دو چیز در کنار هم بایستی روز به روز قوی تر تحقق پیدا کند. یکی حفظ آثار، شعایر، ظواهر و نمای جامعه اسلامی است. این خیلی مهم است ظواهر اسلامی جامعه باید حفظ بشود. این جامعه، جامعه اسلامی است و جامعه اسلامی نمونه است».^{۲۷} علاوه بر این بیانات که فضای ظاهری جامعه را مورد عنایت قرار می‌دهند، معظم‌له در بیانات مختلفی فضای فکری کلی جامعه و از جمله دانشگاه را مورد عنایت قرار داده و اهمیت آن را گوشزد می‌فرماید که ذکر همه آنها از حوصله این نوشتار خارج است و فقط به یک مورد اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «امروز باید به گونه‌ای باشد که ورود به دانشگاه مثل ورود به حوزه علمیه باشد. همان گونه که در حوزه علمیه انسان معرفت و دین و تعبد می‌آموزد در دانشگاه هم کسی که وارد می‌شود، باید این ارزشها را فرا گیرد. حتی اگر از مبانی اسلامی و انقلابی فاصله هم دارد، وقتی به دانشگاه پا گذاشت این چهار سال یا پنج سالی که در دانشگاه هست با مبانی اسلامی و انقلابی آشنا و متعبد شود».^{۲۸}

با توجه به مجموعه مطالبی که در مورد دانشگاه از دیدگاه مقام معظم رهبری در ارتباط با عناصر شش‌گانه فوق الذکر بیان کردیم می‌توان گفت که دانشگاه مطلوب از دیدگاه ایشان دانشگاهی است که در آن دین، علم، انقلاب، سیاست، استکبارستیزی، غرب شناسی هوشیارانه، حضور در عرصه‌های انقلاب و مشارکت فعال سیاسی به نحو شایسته وجود داشته باشد و دینداران و انقلابیون و متخصصین متعهد ارج و عزت داشته باشند و محصول آن نیروهای متدین، انقلابی و متخصصی بوده که قادر به اداره کشور و تداوم انقلاب اسلامی باشند.

فصل پنجم: وضعیت موجود دانشگاهها

انقلاب فرهنگی که با هدف تغییر در ابعاد گوناگون دانشگاه از لحاظ سیستم و مدیریت و محتوا و اساتید و دانشجویان شروع گردیده و منجر به تعطیلی دانشگاهها شده بود، ناگزیر به اقدامات محدودی نظیر رعایت ملاکهایی در

گزینش مدیران و اساتید و دانشجویان و افزودن چند درس اسلامی بسنده کرده و مجدداً دانشگاهها را بازگشایی نمود. بدین ترتیب می توان گفت که دانشگاهها بدون تغییر اساسی در ماهیت پیشینیان بازگشایی شده اند و دانشگاههای موجود تقریباً محصول این فرایند می باشند.

مسئله جنگ باعث گردید که : ۱- بسیاری از اساتید ناهمخوان با آرمانهای انقلاب مجدداً به دانشگاه راه یافته و به القاء افکار خود پردازند. ۲- رؤسای دانشگاهها با توجه به کمیت زیاد اساتید مذکور ناگزیر از محافظه کاری گشته و بعضاً به تدریج فضای غالب موجود برایشان عادی شده و مستحیل در آن شدند. ۳- رهبران انقلاب و دست اندرکاران امور انقلاب فرهنگی امکان و فرصت برنامه ریزی برای تأمین نیروی انسانی مناسب و اساتید شایسته را پیدا نکنند، به گونه ای که حتی دانشگاه تربیت مدرس که مولود انقلاب بود، و با هدف تربیت نیروی انسانی تأسیس شد، چون ناچار بود بخش اعظم تدریس را به اساتید فوق‌الاشاره محول کند، در نیل به هدف دچار مشکلاتی گردید. ۴- همانگونه که قبلاً اشاره شد بدون استثناء بعد از هر انقلابی افرادی به دلایل گوناگون دچار مشکلاتی شده و نوعی سرخوردگی پیدا می کنند. کشور ما نه تنها انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ را پشت سر گذاشته بود، بلکه متحمل جنگ تحمیلی ۸ ساله گردید. وجود برخی افراد سرخورده به دلیل مشکلات ناشی از انقلاب و جنگ، امری طبیعی است. این روحیه در میان نسل جوان بیشتر از سایر اقشار اجتماعی رخنه می کند و در این میان نسل جوان تحصیل کرده و دانشگاهی به دلیل این که همزمان با جوانی، از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار است و در سطح وسیع تر و عمیق تری با مسائل فکری و سیاسی مواجه می شود و همچنین در معرض طمع استکبار و دشمنان داخلی انقلاب اسلامی قرار دارد، سریع تر و وسیع تر و عمیق تر دچار ابهامها و سرخوردگیها می شود. بنابراین، بخشهایی از جوانان دانشگاهی ما در چنین شرایطی قرار دارند:

۱- بخش قابل توجهی از اساتید از کسانی می باشند که یا تربیت یافتگان و مروجین فرهنگ علمی و سیاسی قبل از انقلاب اسلامی می باشند و یا قشری اند که با اسلام امام راحل یعنی اسلام انقلاب، اسلام ستیزنده و معارض با استکبار و اسلام اداره کننده کشور و انقلاب و زندگی اجتماعی امت سر ناسازگاری دارند.

۲- سیستم آموزشی بازمانده از دانشگاه قبل از انقلاب اسلامی که مشوق مدرک گرایی است.

۳- مدیران متشرع اما متفعل در برابر مجموعه شرایط و جامعه و اساتید مذکور و در نتیجه فاقد تحرک و ابتکار. ۴- دروسی با محتوای غیر اسلامی، به ویژه در علوم انسانی. ۵- دانشجویانی در شرایط سنی فکری - سیاسی خاص. در چنین شرایطی طبیعی است که «پسر دانشجوی ما به خاطر مذهبی بودن مورد بی مهری قرار بگیرد، یا دختر دانشجوی ما به خاطر حجابش مورد بی مهری یا خدای ناکرده مورد اهانت قرار بگیرد».^{۲۹} آن هم بوسیله استادی که به فرموده مقام معظم رهبری «چندی پیش برای او شفاعت کردیم و به دانشجویان گفتیم عیبی ندارد بگذارید این استادها بیایند درس بدهند و بروند، حالا این استاد بیاید در کلاس یا در محیط امتحان طوری برخورد بکند که دانشجوی مسلمان و انقلابی احساس ناامنی بکند».^{۳۰} و در همین راستاست که ایشان می فرمایند: «من خودم را جای آن جوان دانشجوی بسیجی مجروح می گذارم که حالا در دانشگاه درس می خواند؛ اولاً به او اهانت که می کنند! ... استاد سر کلاس اهانت می کند. دانشجوی بی اعتقاد و لابلالی اهانت می کند. احیاناً آن استاد و این دانشجو از جایی تقویت می شوند... شما جای او باشید چه کار می کنید؟»^{۳۱} و در شرایطی که «قلدرهای عالم با هیچ چیزی به قدر اسلام دشمن نیستند و روحانیت هم منادی اسلام است».^{۳۲} در همین شرایط «ما می بینیم یک سلسله کار بر مبنای حذف شخصیت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی شروع می شود. این کار ساده و فقط یک کار صنفی نیست».^{۳۳}

با توجه به وضع موجود دانشگاهها و فضای حاکم بر آنها و فاصله ای که با وضع مطلوب مورد نیاز کشور و نظام جمهوری اسلامی دارند مقام معظم رهبری می فرمایند: «فاصله امروزین ما با وضع مطلوب و مقبول اسلام فاصله ای زیاد اما پیمودنی است».^{۳۴} و با توجه به وضع موجود دانشگاهها و فاصله آنها با وضع مطلوب است که سرانجام ایشان می فرمایند: «برادران عزیز، دانشگاه اسلامی نیست. باید اسلامی بشود و این نمی شود مگر با یک تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلند مدت، برنامه ریزی شده و همه جانبه از سوی شما».^{۳۵}

فصل ششم: موانع اسلامی شدن دانشگاهها

موانع درونی و بیرونی

در یک نگاه جامع می توان موانعی را که بر سر راه

کرد: ۱- موانع درونی ۲- موانع بیرونی.

۱- موانع درونی: منظور از موانع درونی موانعی هستند که در درون دانشگاه وجود داشته و برای اسلامی کردن دانشگاه باید بدانها توجه داشت.

در مطالب پیشین ذکر شد که در فضای ظاهری دانشگاهها مشکل بنیادینی وجود ندارد و اگر مشکلاتی به چشم بخورند، علاج آنها چندان دشوار نیست. مشکل عمده در فضای فکری - ذهنی دانشگاه است که به ارکان ۵ گانه دانشگاه باز می‌گردد و به همین سبب باید آن ارکان را مورد توجه قرار داد و اگر اصلاحی صورت می‌گیرد در آن ارکان صورت بگیرد.

۲- موانع بیرونی: منظور از موانع بیرونی موانعی هستند که در بیرون از محیط دانشگاهی قرار داشته و به نحوی ارکان ۵ گانه دانشگاه و در نتیجه فضای آن را متأثر ساخته و در راه اسلامی کردن دانشگاه مانع ایجاد می‌نمایند. موانع بیرونی را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف: موانع اجتماعی: این موانع عبارتند از: خانه، مدرسه، محیط عمومی اجتماع، مشکلات اقتصادی - ته‌اجم فرهنگی (اعم از خارجی و داخلی).

این عوامل هر کدام به گونه‌ای بر ارکان ۵ گانه دانشگاه به ویژه مدیران، اساتید و دانشجویان تأثیر گذاشته و در شکل‌دهی به افکار، اعتقادات و شخصیتشان و نیز جهت‌دهی به رفتار و عملکردشان مؤثر واقع می‌شوند.

ب: موانع دولتی: منظور از موانع دولتی موانعی است که یا ناشی از عدم انجام وظایفی است که در راستای اسلامی کردن دانشگاه بر عهده دولت می‌باشند و یا ناشی از فقدان برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب از سوی دست‌اندرکاران امور فرهنگی در این مورد می‌باشد.

یک مقوله دیگر که در رابطه با اسلامی کردن دانشگاهها متوجه دولتمردان می‌شود، سازگاری میان "قول" و "فعل" آنان در همه مسائل می‌باشد. بدیهی است که دانشگاه محل علم و آگاهی است و این علم و آگاهی در تعداد زیادی "جوان" که در یک محیط به نام دانشگاه متراکم شده‌اند، تحقق می‌یابد.

بنابراین، این گونه افراد به دلایل مختلف سنی، فکری، علمی و القائات دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، نسبت به قول و فعل دولتمردان حساسند. از آنجا که امروزه و در نظام جمهوری اسلامی، دولت و دولتمردان و مسئولیت یک دولت دینی را به عهده دارند، اگر دانشجویان تعارضی میان قول و فعل دولتمردان مشاهده کنند، افکار و اعتقادات

دینی آنان متزلزل می‌شود. همچنین مقوله اسلامی کردن دانشگاهها از سوی چنین افرادی را مخدوش و فاقد اعتبار می‌دانند و در نتیجه جلب مشارکت آنها در امر اسلامی کردن دانشگاهها دشوار می‌شود.

مقوله دیگری که ممکن است از ناحیه دست‌اندرکاران امور فرهنگی، اسلامی کردن دانشگاهها را دچار اختلال کند، عدم توجه به لوازم منطقی برنامه‌ریزی است. در عالم حرف سخن از برنامه‌ریزی، اولویت بندی و تدوین طرحهای عملی می‌شود، اما در عالم عمل به مقتضیات این امور توجه چندانی نمی‌شود. از جمله ملزومات منطقی و عملی برنامه‌ریزی برای اسلامی کردن دانشگاهها، وجود افراد صاحب‌نظری است که با اشتغال کامل در این امر تمام وقت خود را بدان مصروف دارند. بنابراین، به وسیله افرادی که مشغول چندین مسئولیت مهم بوده و یکی از مشاغل آنها هم اسلامی کردن دانشگاههاست، امید پیشرفت چندانی وجود ندارد. و این خود یک مانع مهم برای اسلامی کردن دانشگاهها می‌باشد.

یکی دیگر از لوازم منطقی و عملی برنامه‌ریزی، اجتناب از انتزاعی اندیشی، نگرش واقع‌بینانه به شرایط و امکانات و توجه عملی (نه صرفاً لفظی) به اولویت‌بندی است. عدم رعایت این نکات باعث می‌شود که دست‌اندرکاران به نوعی توهم دچار شده و علیرغم ادعای لفظی برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی، در پی آن باشند که همه ذهنیت‌ها و رویاها و آرمانهای خود را یکجا و همزمان در دانشگاهها تحقق ببخشند. بدیهی است که این امری ناشدنی است

مقوله دیگری که در هموار یا ناهموار ساختن راه اسلامی کردن دانشگاهها مؤثر می‌باشد، نحوه تبلیغ در مورد فضای دانشگاه است. اگر چنین وانمود شود که منظور از فضا، صرفاً فضای ظاهر دانشگاه می‌باشد و برای علاج آن هم، فقط و فقط بسیج گروههای آمر به معروف و ناهی از منکر و کمیته انضباطی دانشگاه و مسئله‌گزینش مطرح بشوند. این امر با توجه به مجموعه شرایط و سوابق و روان‌شناسی سیاسی - اجتماعی دانشجو ممکن است موجب مرعوب شدن این قشر عظیم از دانشگاه شده و مانع از همکاری و جذب و بکارگیری آنان در امر اسلامی کردن دانشگاه بشود.

آخرین مقوله‌ای که در مسئله اسلامی کردن دانشگاه مؤثر می‌باشد، طرز تلقی دست‌اندرکاران امور فرهنگی از "دانشگاه" می‌باشد. دانشگاه به اعتبار اینکه محل کسب

دانش است و دانش، چیزی جز کسب معرفت و کشف قوانین الهی در عالم خلقت و بهره‌برداری از آن در جهت سعادت و کمال بشر نمی‌باشد، مقوله‌ای صددرصد دینی و اسلامی است. اگر این تلقی از دانشگاه وجود داشته باشد، آنگاه خواهیم دید که ساختمان دانشگاه و میز و صندلی و وسایل آزمایشگاهی آن، ذاتاً اگر دینی نباشند لااقل غیر دینی نیستند.

اما اگر وضع موجود دانشگاه ذهنیت افرادی را مسخّر کرده باشد و دانشگاه به عنوان یکی از موالید تمدن سکولار غرب تلقی شده که پیوند ذاتی با آن تمدن داشته در این طرز تلقی، مسئله اسلامی کردن دانشگاه اصولاً سالبه به انتقاء موضوع می‌باشد. این طرز تلقی به اصلاح دانشگاه و اسلامی کردن آن منجر نمی‌شود و شاید بهترین راه حل مسئله را پاک کردن صورت آن بداند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- پیام نوروزی حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹
- ۲- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر و معاونان وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۷۵/۲/۲۹
- ۳- همان
- ۴- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نهاد نمایندگی ۷۵/۶/۱۹
- ۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از مردم به اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران ۶۸/۹/۱
- ۶- یادنامه فرهنگی دانشجو، دانشگاه انقلاب، ناشر معاونت دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ص ۳۲-۳۶
- ۷- همان
- ۸- همان
- ۱۰- یادنامه فرهنگی دانشجو...، پیشین، ص ۳۲-۳۶
- ۱۱- وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی (ره)
- ۱۲- همان
- ۱۳- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از طلاب و دانشجویان ۶۹/۹/۲۸
- ۱۴- همان
- ۱۵- همان
- ۱۶- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از ائمه و دانشجویان به مناسبت ۲۷ آذر ۶۹/۹/۲۸

- ۱۷- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۱/۹/۱۹
- ۱۸- همان
- ۱۹- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی ۶۹/۸/۱
- ۲۰- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۶۸/۹/۲۱
- ۲۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰
- ۲۲- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها علوم پزشکی ۶۹/۸/۱
- ۲۳- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰
- ۲۴- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰
- ۲۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰
- ۲۶- پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز ارتحال حضرت امام ره ۶۸/۴/۲۳
- ۲۷- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از دانشجویان، هیئتهای هفت نفره و خانواده‌های شهدا ۶۹/۳/۲
- ۲۸- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۶۸/۹/۲۱
- ۲۹- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۷۱/۸/۱۹
- ۳۰- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۷۱/۸/۱۹
- ۳۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر فرهنگ و آموزش عالی و معاونین وزیر ۷۵/۲/۲۹
- ۳۲- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار روحانیون و مبلغین در آستانه محرم ۷۰/۴/۲۰
- ۳۳- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰
- ۳۴- پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام ره ۶۹/۳/۱۰
- ۳۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر فرهنگ و آموزش عالی و معاونین وزیر ۷۵/۲/۲۹